

سرخه ای ها

در آینه رسانه ها

(مجموعه گزارشهای منتشر شده و بلاگ سرخه ای ها در رسانه ها)

وحید شهابی

پیشگفتار

کتابهای مختلفی در مورد شهر سرخه با موضوعیت تاریخ، جغرافیا و ادبیات سرخه، به رشته تحریر درآمده اما در این کتاب سعی شده از منظر دیگر و با ارائه مطالب متنوع و مختصر، به شهر سرخه پرداخته شود.

کتابی که در پیش روست، مشتمل بر بیست و یک گزارش می باشد و بر اساس مجموعه گزارشهای منتشر شده وبلاگ سرخه ای در رسانه ها تدوین شده است.

بنده به عنوان نویسنده وبلاگ سرخه ای ها، طی شش سال این گزارش ها را تهیه و در وب سایت های معتبر خبری منتشر نمودم که نام این وبسایت ها در پایان هر گزارش ذکر شده است.

امید است که این نوشته مورد قبول خوانندگان قرار گیرد و مورد بررسی و نقد واقع شود. از خوانندگان عزیز خواستاریم، هر گونه انتقاد و نظر خود را از طریق ایمیل زیر و یا وبلاگ سرخه ای ها، انتقال دهند. در پایان این کتاب را تقدیم می کنم به تمامی مردم مومن و سخت کوش سرخه.

وحید شهابی

تهران - آذر ماه ۹۴

Vahidshahabi1366@yahoo.com

www.sorkhehi.ir

فهرست

- ۱-چهل ستونهای ایران ۵
- ۱-۱- کاخ چهل ستون اصفهان ۵
- ۱-۲- عمارت چهل ستون قزوین ۶
- ۱-۳- عمارت چهل ستون سرهنگ آباد اردستان ۷
- ۱-۴- مسجد چهل ستون کرمان ۸
- ۱-۵- مسجد چهل ستون زنجان ۹
- ۱-۶- مسجد چهل ستون سرخه ۱۰
- ۲- آرامگاه شیخ علاء الدوله سمنانی ۱۲
- ۳- قلعه بی دفاع ۱۵
- ۴- مقبره درویش محمود مزدقانی ۱۸
- ۵- نجات آثار باستانی در سرخه ۲۰
- ۶- دکتر روحانی از دیروز تا امروز ۲۲
- ۷- چرخه ریاست جمهوری در ایران ۲۳
- ۸- روایتی جالب از ازدواج آیت الله مهدوی کنی ۲۴
- ۹- پدران روسای جمهور ایران ۲۶
- ۱۰- دلسوزی های برادر رئیس جمهور ۲۷
- ۱۱- رتبه بندی رئیس جمهوران دنیا بر اساس سن ۲۸
- ۱۲- خاتمه پدری روسای جمهور ایران ۳۲
- ۱۳- امضاهایی که تاریخ ساز شدند ۳۳

- ۱۴- سفرهای تاریخی دکتر روحانی به زادگاهش..... ۳۴
- ۱۵- پررنگ ترین شهر ایران..... ۴۰
- ۱۶- سنگ قبرها در گذر زمان..... ۴۲
- ۱۷- دلیل نامگذاری حشمتیه تهران..... ۴۴
- ۱۸- زبان سرخه ای، در مبارزه، در مذاکره..... ۴۵
- ۱۹- هر آنچه که در مورد دکتر روحانی نمی دانستید..... ۴۶
- ۲۰- افعال متناقض در زبان سرخه ای..... ۴۸
- ۲۱- گویش مردم سرزمین رئیس جمهور چگونه است؟..... ۴۹
- ۲۲- مجموعه اصطلاحات سرخه ای گردآوری شده در وبلاگ سرخه ای ها..... ۵۱
- ۲۲- ۱- دعا‌های سرخه ای..... ۵۱
- ۲۲- ۲- تشبیهات..... ۵۲
- ۲۲- ۳- حالات انسان..... ۵۴
- ۲۲- ۴- بستگان..... ۵۶
- ۲۲- ۵- قسمت های مختلف منازل قدیمی..... ۵۸
- ۲۲- ۶- اسامی حیوانات..... ۵۹
- ۲۲- ۷- اصطلاحات و کنایه ها..... ۶۱
- منابع..... ۷۵

۱- چهل ستونهای ایران

چهل ستون اصفهان، یکی از زیباترین بناهای تاریخی ایران است. اما این تنها بنایی نیست که چهل ستون نام دارد. بناهای دیگری نیز با این عنوان در ایران وجود دارد که کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

از جمله ی این بناها می توان به عمارت چهل ستون قزوین، عمارت چهل ستون اردستان، مسجد چهل ستون کرمان، مسجد چهل ستون زنجان و همینطور مسجد چهل ستون سرخه که قدمتش به قرن اول هجری قمری بر می گردد اشاره کرد.

لروما تعداد ستون های بناهایی که چهل ستون نام دارند چهل عدد نمی باشند. چهل ستون عنوانی برای بناهایی است که دارای ستون های زیاد است. عدد چهل در ادبیات فارسی به معنی زیاد و فراوان می باشد.^۱

۱-۱- کاخ چهل ستون اصفهان

قدمت : دوره ی صفویه - ۱۰۵۷ هجری قمری



۱- نور آقایی، ۱۳۸۸

چهل ستون، باغی بزرگ بالغ بر ۶۷ هزار متر مربع است که در دوره شاه عباس اول احداث گردیده است. در این باغ که "باغ جهان نما" نام داشت شاه عباس کوشکی به شکل کلاه فرنگی بنا کرد که بنای اولیه کاخ چهلستون است؛ تالار میانی کاخ امروزی و غرفه های چهار گوشه ی آن را شامل می شود. وی بعدها این کوشک را به دیوانخانه، محل استقرار کارکنان و دبیران دربار اختصاص داد.

حدود نیم قرن بعد شاه عباس دوم تصمیم گرفت آنجا را به کاخی برای پذیرایی مهمانان خارجی تبدیل کند؛ بدین منظور کاخ را توسعه داد؛ ایوان شرقی را آینه کاری کرد و دستور داد تا صحنه های بزم و رزم را بر دیوار های آن نقاشی کنند. تالار آینه و تالار هجده ستون و دو اتاق شمالی و جنوبی تالار آینه و ایوان های طرفین سرسرای پادشاهی و حوض بزرگ مقابل تالار با کلیه تزئینات نقاشی و آینه کاری و کاشی کاری دیوارها و سقف ها در زمان شاه عباس دوم به آن افزوده شده است.

در سال ۱۰۵۷ شاه عباس دوم با دعوت از سفیران کشورهای خارجی این بنای باشکوه و کم نظیر را افتتاح کرد.^۱

۱-۲- عمارت چهل ستون قزوین

قدمت : دوره ی صفویه - ۹۵۱ هجری قمری



۱- جوانی، آقاجانی اصفهانی، ۱۳۸۶

عمارت چهل ستون قزوین، معروف به عمارت کلاه فرنگی، بنایی است در شهر قزوین. این بنا که تنها کوشک باقی‌مانده از مجموعه کاخ‌های سلطنتی روزگار شاه تهماسب می باشد، در مرکز شهر قزوین و در میدان آزادی (سبزه میدان) قرار دارد و در دوره صفویه و زمانی که قزوین پایتخت بود به کلاه فرنگی مشهور بود.

شاه تهماسب صفوی در سال ۹۵۱ هجری قمری به دلیل تهدیدات ترکان عثمانی تصمیم به انتقال پایتخت از تبریز به قزوین گرفت و در همین سال بود که اراضی موسوم به زنگی‌آباد را از میرزا شرف جهان یکی از بزرگان و معتمدان شهر برای احداث بنای شاهی خریداری کرد.

شاه تهماسب به معماران برگزیده کشور دستور داد تا باغی به شکل مربع در آن بسازند و در میان آن عمارت‌های عالی، تالار، ایوانها و حوض‌های زیبا بنا کنند.

این بنا در دوره قاجاریه توسط محمدباقر سعدالسلطنه فرماندار وقت قزوین بازسازی شد و چهلستون نام گرفت.^۱

۱-۳- عمارت چهل ستون سرهنگ آباد اردستان

قدمت : دوره ی قاجار - ۱۲۹۹ هجری قمری



۱- یآوری و ظفری، ۱۳۹۱

کوشک یا کاخ و یا شکارگاه سرهنگ آباد در روستایی به همین نام از توابع دهستان سفلی زوار، در ۷۶ کیلومتری شرق اردستان از شهرستان‌های استان اصفهان قرار دارد.

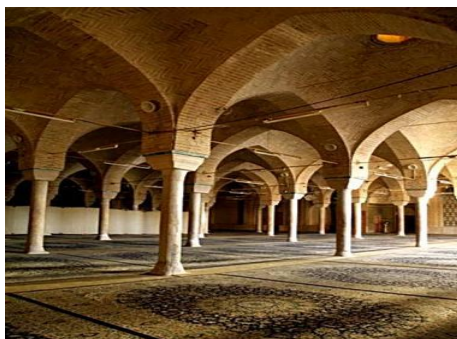
موقعیت جغرافیائی ویژه روستای سرهنگ آباد، در دامنه کوه‌های دهستان کچو و طراوت و سبزی آن باعث شده است که از دیرباز به عنوان منطقه‌ای بیلاق نشین در شهرستان اردستان مورد توجه قرار گیرد. همین امر باعث شده که در سال‌های قبل این روستا از روستاهای پر جمعیت و حاصلخیز شهرستان اردستان باشد.

کوشک سرهنگ آباد توسط سهام السلطنه عرب عامری در حدود سال ۱۲۹۹ قمری مصادف با دوره ناصرالدین شاه قاجار برای پذیرایی از شاهزاده‌های قاجاری ساخته شده است.

این کاخ دارای سقف‌های چوبی و تزئینات سنگی شبیه به آنچه در عالی‌قاپو و چهل‌ستون مشاهده می‌شود، است و به‌رغم این که به‌عنوان کوشک و شکارگاه به فرمان سهام‌السلطنه بنا شده، ولی هیچگاه مورد استفاده او قرار نگرفت.^۱

۱-۴- مسجد چهل ستون کرمان

قدمت : دوره ی صفویه - حدود سال ۱۲۸۶ هجری قمری



۱- روزنامه جام جم، ۱۳۹۲

مسجد حاج آقا علی در خیابان شریعتی کرمان واقع شده ، همچنان پر رونق باقی مانده است. این مسجد که به سبک مسجد وکیل شیراز بنا گردیده دارای چهل ستون سنگی است که به گونه ای ماهرانه و یکدست تراشیده شده اند. سال اتمام بنای ساختمان مسجد ۱۲۸۶ ه.ق بوده است .

این مسجد از یادگارهای حاج آقا علی زعیم الله تاجر معروف عصر قاجار است که مجموعه بازار، کاروانسرا، آب انبار و مسجد چهل ستون در خیابان شریعتی کرمان از او باقی مانده است.

به قول مؤلف جغرافیای کرمان (ص ۱۶۹)، مردی که سی سال قبل ملک و مال نداشت، ((اکنون البته سالی ده هزار تومان مداخل دهاتش متجاوز است)).

او این مسجد را به سبک مسجد چهل ستون شیراز ساخت و در آن زمان بیش از یکصد هزار تومان خرج آن کرد. حاج آقا علی این مبلغ را خرج احداث مسجد نمود.^۱

۱-۵- مسجد چهل ستون زنجان

قدمت : دوره ی قاجار - سال ۱۲۸۴ هجری قمری



^۱ - خان وزیری، مصلح، ۱۳۷۷

این مسجد در داخل بازار قدیمی شهر زنجان قرار دارد. قسمت بازار بالا در راسته ی حجه الاسلام ، دارای دو درب ورودی می باشد که یک درب آن از داخل بازار و درب دیگر آن از کوچه مسجد ولی عصر یا کوچه حجه الاسلام می باشد.

در خصوص علت نامگذاری این مسجد و مدرسه در کتاب خط سوم در مشروطیت آمده است: « ... دومین مدرسه علمیه مهم زنجان پس از مسجد و مدرسه شاهی ، مدرسه چهل ستون است این مدرسه در داخل خود دارای مسجد بزرگی است که چهل ستون دارد و به همین دلیل آنجا را مسجد و مدرسه چهل ستون نامند.

مسجد و مدرسه ی چهل ستون را مرحوم ملا علی قاریوز آبادی بنا نهاده و اکنون تولیت اداره ی موقوفات و خود مسجد رسماً بر عهده نوادگان آن مرحوم است.

این مسجد در سال ۱۲۸۴ هـ ق تأسیس گردیده و یکی از مساجد قدیمی و مهم شهر زنجان بوده و به دلیل مرکزیت و واقع شدن در بازار مورد توجه بسیاری می باشد.^۱

۱-۶- مسجد چهل ستون سرخه

قدمت : قرن اول هجری قمری



^۱- شکوری، ۱۳۷۱

مسجد چهلستون سرخه متعلق به قرن اول هجری است که یکی از شبستان های الحاقی به مسجد جامع سرخه بوده، که در بافت قدیم شهر قرار گرفته است. از خصوصیات بارز این بنا ستونهای ظریف هشت ضلعی آجری و طاق های جناقی تند می باشد که از ۴۰ ستون این بنا هم اینک ۳۲ ستون آن باقی است.

تاریخ ساخت اولیه این بنا به قرن اول هجری نسبت داده می شود. این مسجد از دو شبستان مجزا مجاور هم، یکی در جنوب و دیگری در شمال آن تشکیل شده است. شبستان جنوبی که مستطیل شکل می باشد و محراب آن منتهی الیه سمت جنوب غربی بنا قرار دارد. در شمال این شبستان راهرویی وجود دارد که بر سردر این راهرو، کاشیکاری معرقی به تاریخ ۱۳۴۵ ه.ش که بر روی آن بخشی از آیه ۱۸ سوره توبه قرآن کریم نوشته شده است به چشم می خورد.

در گوشه جنوب غربی شبستان شمالی محراب ساده ای قرار دارد که بالای آن بوسیله رسمی بندی گچی تزئین شده است. این بنا به شماره ملی ۲۳۲۵ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.^۱

این گزارش در وبسایت های خبری زیر منعکس شده است :

پایگاه خبری بولتن نیوز ، پایگاه خبری تحلیلی تعامل ، پایگاه خبری تحلیلی سپیدار آنلاین ، پایگاه خبری تحلیلی اشنویه ، مجله اینترنتی جوان ایرانی ، سایت انجمن رسالت قلم سرخه و پایگاه خبری تحلیلی سرخه نیوز

۱- انجمن رسالت قلم سرخه- ۱۳۸۶

۲- آرامگاه شیخ علاء الدوله سمنانی

در مسیر تهران مشهد ، روستایی قرار دارد که نامش صوفی آباد است. این روستا از توابع شهرستان سرخه بوده و با شهر سرخه ۱۱ کیلومتر فاصله دارد. آرامگاه شیخ علاءالدوله سمنانی ، صوفی بزرگ سده‌های هفتم و هشتم قمری ایران، در این روستا واقع است. برای رفتن به این روستا، از جاده اصلی وارد جاده ی فرعی باریک اما آسفالت‌شده و پس از طی مسافت ۶ کیلومتر به صوفی آباد رسیدیم.

روستا کوچک بود و ساختمان‌هایی که در آن وجود داشت بسیار قدیمی به نظر می‌رسید. پیدا کردن مقبره کار مشکلی نبود. وارد خانقاه که شدیم محوطه بزرگ مربع شکلی را دیدیم که گنبد عظیم بقعه، بالای آن قرار داشت و در چهار طرف این محوطه راهروها و اتاق‌های متعدد ساخته شده بود. روی قبر شیخ علاءالدوله، نرده‌ای آهنین و سقف‌دار برپا شده بود که قبر را نسبتاً از اشعه سوزان آفتاب کویر حفاظت می‌کرد. ظاهراً قسمتی از این بنای با ارزش، ویران شده اما میراث فرهنگی استان سمنان، قسمت‌هایی از بنا را بازسازی کرده است.^۱



شیخ علاء الدوله سمنانی از عرفای نامدار قرن هفتم است که متأسفانه کمتر به جایگاه این عارف و اندیشمند بزرگ پرداخته شده است.

وی، در روستای بیابانک از توابع شهرستان سرخه، چشم به جهان گشود، پس از سن پانزده سالگی به همراه عمویش، بیابانک سمنان را ترک و وارد درگاه شاه ایلخانی شد. چندی بعد، درگاه سلطان ایلخانی را ترک و راهی دیار کویر و زادگاهش سمنان شد.

وی در بین مردم استان سمنان به نام احمد بن محمد بن احمد البیابانکی سمنانی شناخته می‌شد، از لحاظ مقام دینی به لقب رکن الدین و به جهت خدمات جوانی اش در دستگاه دیوانی، علاء الدوله لقب گرفته است.^۱



محققین و مورخین به واسطه ارشادش وی را شیخ و بعضی به مناسبت اصطلاح رایج فرق صوفیه او را شاه علاء الدوله و برخی به علت قدرت و ثروتش امی علاءالدوله و عده ای از نظر شخصیت خانوادگی وی را از ملوک سمنان شمرده‌اند.

شیخ علاءالدوله سمنانی متولد ذیحجه سال ۶۰۹ هجری قمری است. تحصیلات ابتدایی را در مکتب خانه محلی بیابانک بوده است. تا سن پانزده سالگی که از علوم عقلی و نظامی چیزی آموخته و آنگاه به همراه عموی خویش ملک جلال الدین، در دستگاه ارغوان خان وارد شد و به تدریج مقرب درگاه شاه ایلخانی شد.

در ۲۶ سالگی تحصیلات عالی را آغاز کرد، ادبیات عرب را نزد سید اخفش، علم فقه را نزد سید تاج الدین آموخت و استماع حدیث را از رکن الدین صاین و رشید ابن ابی القاسم کسب و اجازه روایت گرفت، سیر و سلوک عرفانی علاء الدوله از کناره گیری خدمات دیوانی و انفاق و تطهیر اموالش آغاز شد، چنانکه غلامان و کنیزان خود را آزاد ساخت و حقوقی را که از دیگران بر عهده وی بود ادا کرد و اموال خود را وقف نمود.

تنظیم آبیاری شهر به شیوه استخری و به نوبت از حقایقه بهره برداری کردن را به شیخ علاء الدوله سمنانی نسبت می‌دهند. زیرا از آن زمان به بعد بود که دفتری به نام قانون میاه در سمنان بوجود آمد که اساس صاحبان سهام و حقایقه برای هر استخر همه ساله در آن ثبت می‌شده است.

مهمترین آثار شیخ عبارتند از: خمخانه وحدت، مناظر المحاضر للمناظر الحاضر، چهل مجلس، مکاشفات، قواعد العقاید و...

آخرین سالهای عمر شیخ علاء الدوله در صوفی آباد (روستایی در شهرستان سرخه) و در بنایی که آن را برج احرار نام نهاده‌اند گذشت.

این بنا یکی از مراکز مهم تجمع عارفان، دانشمندان و شاعران در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری قمری بوده و به علت اهمیت و احترامی که بزرگان و فرمانروایان این دوره برای عارف بزرگ سمنانی قائل بودند، قبله‌گاه فکری آنان به شمار می‌رفت.

در تذکره الشعراء دولتشاه سمرقندی آمده است که خواجوی کرمانی شاعر معروف قرن هشتم هجری قمری سال‌ها در همین خانقاه به خدمت شیخ علاءالدوله سمنانی مشغول بوده است و گردآوری دیوان اشعار علاءالدوله سمنانی را نیز به وی نسبت داده‌اند.^۱



یک دوبیتی از ابن عارف بزرگ :

صد خانه اگر به طاعت آباد کنی به زین نبود که خاطری شاد کنی

گر بنده کنی ز لطف آزادی را بهتر که هزار بنده آزاد کنی

این گزارش در وبسایت های خبری زیر منعکس شده است :

پایگاه خبری بولتن، پایگاه خبری تحلیلی تعامل، پایگاه خبری تحلیلی استان نیوز، پایگاه خبری تحلیلی راک نیوز، وبسایت انجمن رسالت قلم سرخه و پایگاه خبری تحلیلی سرخه نیوز

۳ - قلعه بی دفاع

دیوارهایش فرو ریخته و ستونهایش در حال تخریب است اما هنوز هم باشکوه و زیباست.

قلعه جهان آباد - شهرستان سرخه



گشت و گذاری در اطراف سرخه می کردیم که چشمهایمان به یک بنای تاریخی افتاد. نام بنا را پرسیدم، گفتند: نامش قلعه ی جهان آباد است. بارها نامش را شنیده بودم اما تا بحال این بنا را ندیده بودم. نزدیک تر که رفتیم مات و میهوت ماندیم. ساختمانی بزرگ با برجهای عظیم که البته برج سمت چپ کاملاً تخریب شده و تنها برج سمت راست قلعه، پابرجا بود که به نظر می رسید آن هم در حال تخریب است.



قبل از این که به دروازه قلعه برسیم از معبری عبور کردیم که خرده سفالهایی در کناره های جاده ریخته شده بود و این به خاطر نزدیکی کارخانه سفال به این بنا می باشد. ظاهراً خاک های این منطقه برای تولید سفال بسیار مناسب است. پس از عبور از درب ورودی قلعه ، با معبری که به صورت دالانی بود مواجه شدیم که به تالار اصلی منتهی می شد و اطراف آن را چندین اطاق فرا گرفته بود، اطاق هایی که به تالار مرکزی راه داشتند.



www.sorkhehi.blogfa.com

وبلاگ سرخه ای ها

از قسمتهای مختلف این بنا که دو طبقه بود دیدن کردیم و سخت تحت تاثیر قرار گرفتیم. اما سوالی که دائماً ذهنم را درگیر کرده بود این بود که چرا تا بحال این بنای با ارزش، تعمیر و بازسازی نشده؟ خوشبختانه بعضی از بناهای تاریخی مهم سرخه از جمله آب انبار سرخه، مسجد چهل ستون و ... مرمت شده و از تخریب نجات یافته است. امیدوارم به زودی چاره ای برای این بنای کم نظیر و زیبا هم اندیشیده شود.

این گزارش در وبسایت خبری زیر منعکس شده است :

تارنمای شهرستان سرخه

۴- مقبره درویش محمود مزدقانی

برای بازدید از مقبره درویش محمود مزدقانی وارد روستای مومن آباد (از توابع شهرستان سرخه) شدیم. در انتهای منطقه مسکونی این روستا، بنای تاریخی بزرگی که گویا بر تپه ای بنا شده بود، خودنمایی می کرد.



ارتفاع ایوان در حدود ۱۰ متر و ساختمانش مربع شکل بود که در چهار طرف آن درگاه قرار داشت و معماری آن بیشتر به دوران ایلخانی شبیه بود. درویش محمود یکی از عارفان قرن هشتم و از پیروان شیخ علا الدوله سمنانی بوده است.

او به علت وارستگی و کرامتی که داشته، مورد توجه و احترام مردم سمنان و نواحی آن بود و به همین جهت، درویش مومن آباد نیز نامیده شده است.^۱

۱- سیزواری، ۱۳۸۱



www.sorkhehi.mogha.com

وبلاگ سرخه ای ها

این گزارش در وبسایت خبری زیر منعکس شده است :

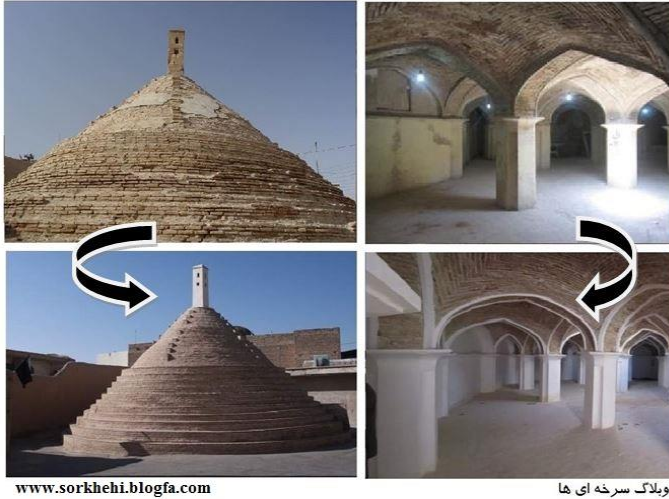
سرخه نیوز

۵- نجات آثار باستانی در سرخه

آثار و بناهای تاریخی به جای مانده از قرون گذشته، جایگاه با ارزشی در انتقال فرهنگ گذشتگان دارد. به همین دلیل حفظ آنها از اهمیت بالایی برخوردار است.

خوشبختانه با پیگیری و همت مسئولان سرخه، طی سالهای گذشته تعدادی از آثار تاریخی شاخص این شهر، مرمت شده و از تخریب نجات یافته است.

تصاویر قبل و بعد مرمت آثار تاریخی شهرتان سرخه



در تصویر بالا، مرمت مسجد چهل ستون و آب انبار بزرگ سرخه را می بینید. تعداد دیگری از آثار تاریخی نیز مرمت شده اند از جمله : خانه تاریخی حاج حشمت اللشکر در مرکز شهر سرخه، بقعه پیر غریب سرخه و ...

اما نگرانی ها از تخریب خانه ها و سایر بناهای تاریخی همچنان ادامه دارد و بیم آن می رود که آثار تاریخی به دست فراموشی سپرده شود.

از جمله آثار تاریخی شهرستان سرخه که همواره نیاز به مراقبت و مرمت دارند می توان به مسجد چهل ستون، حمام بیرون دژ، قلعه جهان آباد، منزل حاج حشمت، آب انبار قدیمی، بقعه پیر غریب، کاروانسرای لاسجرد، امام زاده سید محمد بن زید سرخه، قلعه افتر، آرامگاه اعلی الدوله و درویش محمد، یخچالهای در جنوب شهرسرخه و مجموعه باستانی روستای بیابانک اشاره نمود.

این گزارش در وبسایت های خبری زیر منعکس شده است :

بولتن نیوز ، سرخه نیوز

۶- دکتر روحانی از دیروز تا امروز

www.sorkhehi.blogfa.com

فرمان: ویدئو شابلن

وبلاگ سرخه ای ما

دکتر حسن روحانی از دیروز تا امروز



تولد : شهرستان سرخه (۱۳۲۷)

تحصیلات ابتدایی : شهرستان سرخه

تحصیلات حوزوی : حوزه علمیه صادقیه سمنان (از سال ۱۳۳۹)

ادامه تحصیلات حوزوی : حوزه علمیه قم (از سال ۱۳۴۰)

تحصیلات دانشگاهی به طور همزمان : دانشگاه تهران (از سال ۱۳۴۸)

تحصیلات تکمیلی و دکترا : دانشگاه کلدونیان گلاسکو انگلیس مدرک کارشناسی ارشد

(M.Phil) در رشته حقوق عمومی و دانشنامه دکتری (Ph.D) در رشته حقوق اساسی.^۱

این گزارش در وبسایت خبری زیر منعکس شده است :

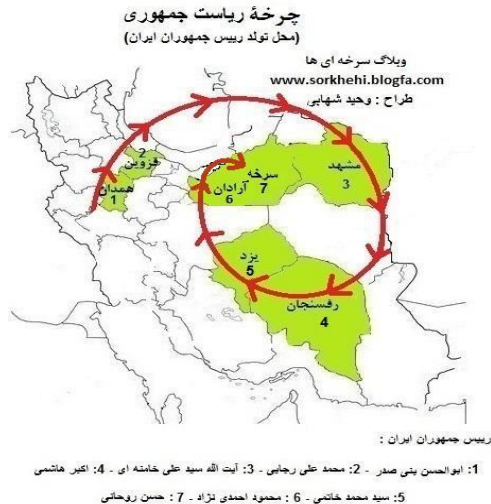
بولتن نیوز

۱- روحانی، ۱۳۹۰

۷- چرخه ریاست جمهوری در ایران

گردش آزاد قدرت، از مهمترین ویژگی کشورهای دموکراتیک است. ایران نیز از جمله کشورهایی است که قدرت در نظام سیاسیش به واسطه انتخابات، دائماً در حال گردش است. از ابتدای انقلاب تا به امروز، ایران هفت رئیس جمهور را به خود دیده است که هر کدام از آنها متولد شهر های مختلفی از ایران می باشند. تصویر زیر، محل تولد رئیس جمهورهای ایران را به ترتیب انتخابشان نشان می دهد که به شکل موجی ظاهر گشته و این موج به شهرستان سرخه ختم شده است.

تصویر زیر این چرخه را نشان می دهد. حال فکر می کنید ادامه این چرخه به چه شکل است؟ آیا تصور می کنید مرکز این موج، استان سمنان می باشد و قرار است برای سالها رئیس جمهور ها از این استان ظهور کنند؟

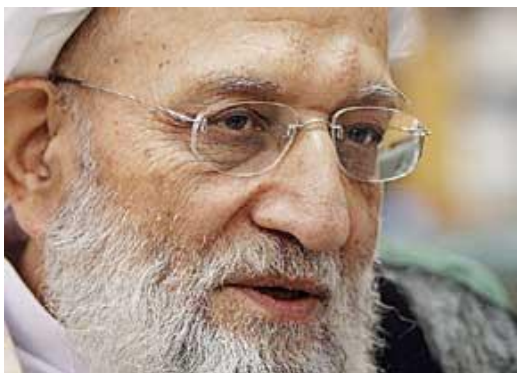


این گزارش در وبسایت های خبری زیر منعکس شده است:

اصلاح پرس / تدبیر ۲۴

۸- روایتی جالب از ازدواج آیت الله مهدوی کنی

آیت الله محمد رضا مهدوی کنی، داماد مرحوم آیت الله شیخ زین العابدین سرخه ای از علمای مطرح قبل از انقلاب در تهران و کن بودند.



۱- آیت الله مهدوی کنی در خاطرات خود گفته بودند : من با صبیّه مرحوم آیت الله حاج شیخ زین العابدین سرخه ای وصلت کردم. شاید علت اصلی اش سابقه آشنایی و دوستی ایشان با پدرم بود، زیرا ایشان هم سفر حج پدرم بودند. البته بنده یکی دو ساله بودم که پدرم به حج مشرف شدند و با مرحوم آقای سرخه ای که روحانی کاروان آنها بودند آشنا شدند و آشنایی آنها ادامه داشت تا اینکه مرحوم آقای سرخه ای به کن آمدند و املاکی در کن برای زراعت خریدند و زندگی شان را بیشتر از آن راه تأمین می کردند. بالاخره ایشان کنی شده بودند و در منزل ما رفت و آمد داشتند و بالاخره روی همین آشنایی، ازدواج ما صورت گرفت.

همسرم تحمل شان خوب بود. چون روحانی زاده بودند، زندگی طلبگی و روحانی را پذیرفته بودند و می دانستند که یک طلبه روحانی چگونه زندگی می کند.

البته با وضع زندگانی داخلی ما نیز آشنا بودند؛ چون در کن رفت و آمد داشتند و فرهنگ خانواده ما برای ایشان شناخته شده بود.^۱

۲- سرکار خانوم قدسیه سرخه ای، همسر آیت الله مهدوی کنی نیز درباره نحوه آشنایی اش با آیت الله مهدوی کنی گفته بودند: درست سال ۱۳۳۸ که در آن سال پدرم با پدر آیت الله مهدوی به سفر حج رفتند و این سفر باب دوستی و مراودت شد و دعوت پدر آیت الله مهدوی از پدرم به باغ کن موجب صمیمیت خانواده ها شد. بعد هم صحبت شد که یک وصلتی انجام شود که البته من حق انتخاب نداشتم. آن روزها ۱۱ ساله بودم و با اینکه از این وصلت ناراضی بودم ما را سر سفره عقد نشانند.

من نمی دانم که عاقد، آیت الله "سید صادق لواسانی"، چه دعایی در حق ما کردند که ورق در زندگی من برگشت و ۵۰ سال عاشقانه و با محبت در کنار آیت الله مهدوی کنی زندگی شیرینی را تجربه کردم.

مهریه من ۱۰ هزار تومان بود اما برای من اینها ارزشی نداشت. اما امروزه جوان ها انگیزه ای برای عشق ندارند و در هرجای زندگی که هستند قانع نیستند و لذت نمی برند.^۲

این گزارش در وبسایت های خبری زیر منعکس شده است :

انقلاب نیوز، آخرین نیوز، انصاف نیوز، واضح، اول نیوز

۱- خواجه سروی، ۱۳۸۵

۲- رضایی، ۱۳۹۳

۹- پدران روسای جمهور ایران

شاید علاقه مند باشید پدران روسای جمهور را بیشتر بشناسید.

در تصویر زیر، نام، شغل و تصویر پدران روسای جمهور را مشاهده می نمائید.

پدران رؤسای جمهور ایران

رئیس جمهور	نام پدر	شغل پدر	تصویر
محمد علی رجایی	عبدالله رجایی	از بازرگانان قدیمی قزوین و تهران	
سید علی خامنه ای (مد ظله العالی)	سید جواد حسینی	از روحانیان آذری متقیم نجف	
اکبر باشتی	میرزا علی باشتی	دارای تحصیلات جوزوی از باغ داران و آذربایجان پسر رنجان	
سید محمد خاتمی	سید روح الله خاتمی	امام جمعه یزد - موسس مدرسه علی اردکان	
محمود احمدی نژاد	احمد احمدی نژاد	آهنگر	
حسن روحانی	اسدالله فریدون	نماینده مراجع تقلید در سرخه از کاسبان قدیمی بازار سرخه	

www.sorkhefi.ir

وبلاگ سرخه ای :

این گزارش در وبسایت های خبری زیر منعکس شده است :

بولتن نیوز، هشدار نیوز

۱۰- دلسوزی های برادر رئیس جمهور

یه ضرب المثل قدیمی هست که میگه : تنها برادر به برادر اطمینان دارد. این موضوع، نه تنها در زندگی شخصی ایرانیان، بلکه در فضای سیاسی و کلان کشورمان نیز مشهود است. طی دهه های اخیر شاهد آن بودیم که در عرصه سیاست و رسانه، همیشه در کنار رئیس جمهوری، برادر رئیس جمهور هم حضور پر رنگی داشته است.

در تصویر زیر، گوشه ای از حضور دلسوزانه و موثر برادران رئیس جمهوری و مسئولین را مشاهده می نمایید.

دلسوزی های برادر رئیس جمهور



چه در سرما



چه در گرما



چه در اندوه و ماتم

www.sorkhehi.ir



چه در شادی

وبلاگ سرخه ای ها

این گزارش در وبسایت های خبری زیر منعکس شده است :

تابناک

۱۱- رتبه بندی رئیس جمهوران دنیا بر اساس سن

گزارش زیر، داغترین خبر مجله اینترنتی برترینها در ۲۸ آبان ۹۴ شد.

جایگاه روحانی در فهرست سنی رهبران جهان

برای اولین بار در تاریخ، رتبه بندی رئیس جمهوران دنیا بر اساس سن، توسط وبلاگ سرخه ای ها انجام پذیرفت.

در این رتبه بندی که کلیه اطلاعات آن به صورت طاقت فرسا از وبسایت ویکیپدیا جمع آوری شده، تنها کشورهایی که نوع حکومتی آنها جمهوری است و دارای رئیس جمهور می باشند (بجز اسرائیل)، مورد بررسی قرار گرفته است.

نتایج به دست آمده که در آن نام کشورها، پرچم کشورها، نام رئیس جمهورها، تاریخ تولد و سن آنها، نمایش داده شده است، به شرح زیر می باشد:

میانگین سنی رئیس جمهوران دنیا، ۶۳ سال است.

رئیس جمهور زیمبابوه با ۹۱ سال، پیر ترین و رئیس جمهور کره شمالی با ۳۲ سال سن، جوان ترین رئیس جمهور دنیا می باشند.

رئیس جمهوران، تونس، کوبا، کامرون و فلسطین به ترتیب، پیرترین رئیس جمهوران دنیا پس از رئیس جمهور زیمبابوه هستند.

همچنین رئیس جمهوران کوزوو، لهستان، گرجستان و هندوراس، جوانترین رئیس جمهوران دنیا پس از رئیس جمهور کره شمالی هستند.

دکتر روحانی، رئیس جمهور ایران با ۶۷ سال سن، پنجاه و دومین رئیس جمهور دنیا از لحاظ سن می باشد و چهار سال مسن تر از میانگین سنی رئیس جمهوران دنیاست.

نتایج این تحقیق، در شش جدول که در زیر ارائه شده است، قابل مشاهده می باشد.

رتبه بندی رئیس جمهوران دنیا بر اساس سن

ردیف	کشور	نام رئیس جمهور	سال تولد	سن
1	زیمبابوه	Robert Mugabe	1924	91
2	تونس	Beji Caid Essebsi	1926	89
3	کوبا	Raúl Castro	1931	84
4	کامرون	Paul Biya	1933	82
5	فلسطین	Mahmoud Abbas	1935	80
6	هند	Pranab Mukherjee	1935	80
7	گوآتمالا	Alejandro Maldonado	1936	79
8	لاتویس	Choummaly Sayasone	1936	79
9	الجزایر	Abdelaziz Bouteflika	1937	78
10	سائوتومه و پرنسپ	Manuel Pinto da Costa	1937	78
11	اتریش	Heinz Fischer	1938	77
12	ازبکستان	Islam Karimov	1938	77
13	عراق	Fuad Masum	1938	77
14	گینه	Alpha Condé	1938	77
15	لیبریا	Ellen Johnson Sirleaf	1938	77
16	پرتغال	Aníbal Cavaco Silva	1939	76
17	اروگوئه	Tabaré Vázquez	1940	75
18	آلمان	Joachim Gauck	1940	75
19	پاکستان	Mamnoon Hussain	1940	75
20	سنگاپور	Tony Tan	1940	75
21	قزاقستان	Nursultan Nazarbayev	1940	75
22	مالاوی	Peter Mutharika	1940	75
23	جمهوری آذربایجان	Ilham Aliyev	1961	74
24	ایتالیا	Sergio Mattarella	1941	74
25	جمهوری ایرلند	Michael D. Higgins	1941	74

www.sorkhehi.ir

رتبه بندی رئیس جمهوران دنیا بر اساس سن

ردیف	کشور	نام رئیس جمهور	سال تولد	سن
26	نامیبیا	Hage Geingob	1941	74
27	آفریقای جنوبی	Jacob Zuma	1942	73
28	آنگولا	José Eduardo dos Santos	1942	73
29	ساحل عاج	Alassane Ouattara	1942	73
30	گینه استوایی	Teodoro Obiang Nguema Mbasogo	1942	73
31	نیجریه	Muhammadu Buhari	1942	73
32	ایسلند	Ólafur Ragnar Grímsson	1943	72
33	جمهوری کنگو	Denis Sassou Nguesso	1943	72
34	دومینیکا	Charles Savarin	1943	72
35	السالوادور	Salvador Sánchez Cerén	1944	71
36	ارگنتدا	Yoweri Museveni	1944	71
37	بنگلادش	Abdul Hamid	1944	71
38	جمهوری چک	Miloš Zeman	1944	71
39	سودان	Omar al-Bashir	1944	71
40	سیتل	James Michel	1944	71
41	ساموآ	Maietao Tanumafili II Tufuga Efi	1945	70
42	سورینام	Dési Bouterse	1945	70
43	گویان	David A. Granger	1945	70
44	مالی	Ibrahim Boubacar Keita	1945	70
45	میتانمار	Thein Sein	1945	70
46	نیکاراگوئه	Daniel Ortega	1945	70
47	اریتره	Isaias Afwerki	1946	69
48	قبرس	Nicos Anastasiades	1946	69
49	ایالات فدرال میکرونزی	Peter M. Christian	1947	68
50	برزیل	Dilma Rousseff	1947	68

www.sorkhehi.ir

رتبه بندی رئیس جمهوران دنیا بر اساس سن

ردیف	کشور	نام رئیس جمهور	سال تولد	سن
51	جیبوتی	Ismail Omar Guelleh	1947	68
52	ایران	Hassan Rouhani	1948	67
53	فنلاند	Sauli Niinistö	1948	67
54	لبنان	Michel Sleiman	1948	67
55	مولداوی	Nicolae Timofti	1948	67
56	افغانستان	Mohammad Ashraf Ghani	1949	66
57	ویتنام	Trương Tấn Sang	1949	66
58	تایوان	Ma Ying-jeou	1950	65
59	کلیپ ورد	Jorge Carlos Fonseca	1950	65
60	یونان	Prokopis Pavlopoulos	1950	65
61	بورکینافاسو	Blaise Compaoré	1951	64
62	جمهوری دومینیکن	Danilo Medina	1951	64
63	سری لانکا	Maithripala Sirisena	1951	64
64	سودان جنوبی	Salva Kiir Mayardit	1951	64
65	شیلی	Michelle Bachelet	1951	64
66	کلمبیا	Juan Manuel Santos	1951	64
67	بنین	Thomas Boni Yayi	1952	63
68	تاجیکستان	Emomali Rahmon	1952	63
69	جزایر مارشال	Christopher Loeak	1952	63
70	چاد	Idriss Déby	1952	63
71	روسیه	Vladimir Putin	1952	63
72	صربستان	Tomislav Nikolić	1952	63
73	کره جنوبی	Park Geun-hye	1952	63
74	کیریباتی	Anote Tong	1952	63
75	نiger	Mahamadou Issoufou	1952	63

www.sorkhehi.ir

رتبه بندی رئیس جمهوران دنیا بر اساس سن

ردیف	کشور	نام رئیس جمهور	سال تولد	سن
76	استونی	Toomas Hendrik Ilves	1953	62
77	آرژانتین	Cristina Fernández de Kirchner	1953	62
78	بولسوانا	Ian Khama	1953	62
79	ترینیداد و توباگو	Anthony Carmona	1953	62
80	چین	Xi Jinping	1953	62
81	سیرالئون	Ernest Bai Koroma	1953	62
82	ارمنستان	Serzh Sargsyan	1954	61
83	بلاروس	Alexander Lukashenko	1954	61
84	ترکیه	Recep Tayyip Erdoğan	1954	61
85	فرانسه	François Hollande	1954	61
86	مونتهنگرو	Filip Vujanović	1954	61
87	لیونی	Mulatu Teshome	1955	60
88	سومالی	Hassan Sheikh Mohamoud	1955	60
89	بوسنی و هرزگوین	Bakir Izetbegović	1956	59
90	پاراگوئه	Horacio Cartes	1956	59
91	پالاو	Tommy Remengesau	1956	59
92	تیمور شرقی	Taur Matan Ruak	1956	59
93	جمهوری صحرای غرب	Mohamad Fuad Abd Aziz	1956	59
94	زامبیا	Edgar Lungu	1956	59
95	قرقیزستان	Almazbek Atambayev	1956	59
96	لیتوانی	Dalia Grybauskaitė	1956	59
97	موریتانی	Mohamed Ould Abdel Aziz	1956	59
98	ترکمنستان	Gurbanguly Berdimuhamedow	1957	58
99	رواندا	Paul Kagame	1957	58
100	گینه بیسائو	José Mário Vaz	1957	58

www.sorkhehi.ir

رتبه بندی رئیس جمهوران دنیا بر اساس سن

ردیف	کشور	نام رئیس جمهور	سال تولد	سن
101		Ghana	John Dramani Mahama	1958
102		Costa Rica	Luis Guillermo Solís	1958
103		Madagascar	Hery Rajaonarimampianina	1958
104		Mali	Marie Louise Coleiro Preca	1958
105		Bolivia	Evo Morales	1959
106		Tanzania	John Magufuli	1959
107		Romania	Klaus Iohannis	1959
108		Gabon	Ali Bongo Ondimba	1959
109		Bangladesh	Abdulla Yameen	1959
110		Hungary	János Áder	1959
111		Mauritius	Ameenah Gurib	1959
112		Mozambique	Filipe Nyusi	1959
113		Qatar	Baron Waqa	1959
114		Philippines	Benigno Aquino III	1960
115		Moldova	Gjorge Ivanov	1960
116		Indonesia	Joko Widodo	1961
117		ایالات متحده آمریکا	Barack Obama	1961
118		Senegal	Macky Sall	1961
119		Kenya	Uhuru Kenyatta	1961
120		Nepal	Bidhya Devi Bhandari	1961
121		Haiti	Michel Martelly	1961
122		Peru	Ollanta Humala	1962
123		Cameroon	Ikilou Dhoine	1962
124		Venezuela	Nicolás Maduro	1962
125		Slovakia	Andrej Kiska	1963

www.sorkhehi.ir

رتبه بندی رئیس جمهوران دنیا بر اساس سن

ردیف	کشور	نام رئیس جمهور	سال تولد	سن
126		Laos	Borut Pahor	1963
127		Ecuador	Rafael Correa	1963
128		Burundi	Pierre Nkurunziza	1963
129		Panama	Juan Carlos Varela	1963
130		Mongolia	Tsakhagiin Elbegdorj	1963
131		Vanuatu	Baldwin Lonsdale	1963
132		Bulgaria	Rosen Plevneliev	1964
133		Ukraine	Petro Poroshenko	1965
134		Syria	Bashar al-Assad	1965
135		Guinea	Yahya Jammeh	1965
136		Albania	Bujar Nishani	1966
137		Togo	Faure Gnassingbé	1966
138		Latvia	Raimonds Vējonis	1966
139		Mexico	Enrique Peña Nieto	1966
140		Croatia	Kolinda Grabar-Kitarović	1968
141		Honduras	Juan Orlando Hernández	1968
142		Georgia	Giorgi Margvelashvili	1969
143		Lithuania	Andrzej Duda	1972
144		Kosovo	Atifete Jahjaga	1975
145		North Korea	Kim Jong-un	1983

www.sorkhehi.ir

آدرس صفحه ی انتشار گزارش وبلاگ سرخه ای ها در رسانه ها :

مجله اینترنتی برترینها، بهار نیوز، وبسایت خبری پیچک، لحظه نیوز، جردن نیوز

۱۲- خانه پدری روسای جمهور ایران

شاید دیدن تصاویر خانه پدری روسای جمهور، برایتان جالب باشد.

خانه هایی قدیمی که وجه اشتراکشان، حضور حوض و آب، باغچه و سبزی و آسمان و آفتاب است.

خانه پدری روسای جمهور ایران



آیت الله خاندانی

محمّد خاندانی



سید محمد خاندانی

دکتر خاندانی



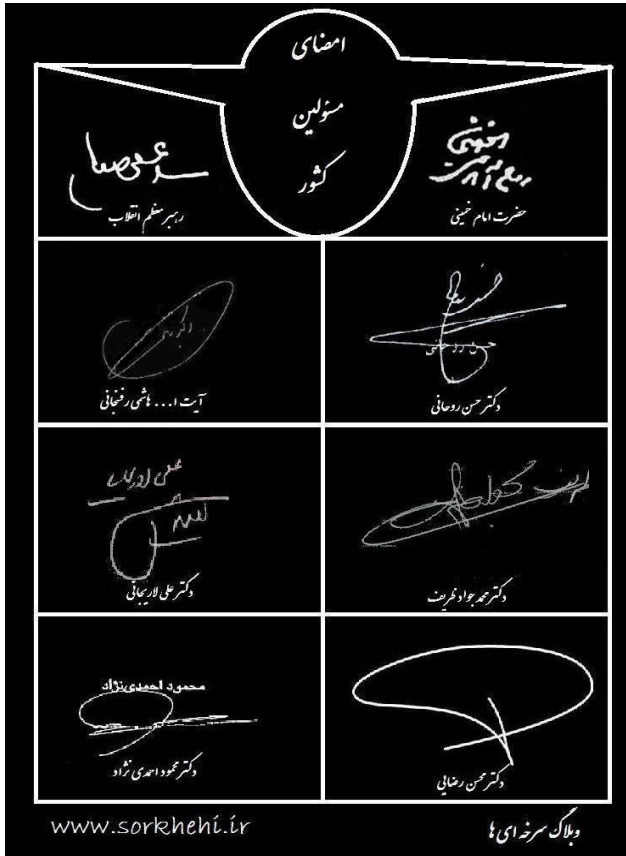
دکتر خاندانی

www.sorkhehi.ir

وبلاگ سرخه ای

۱۳- امضاهایی که تاریخ ساز شدند

در زیر برخی از امضاهایی که تاریخ کشور را تغییر دادند، ملاحظه می نمایید :



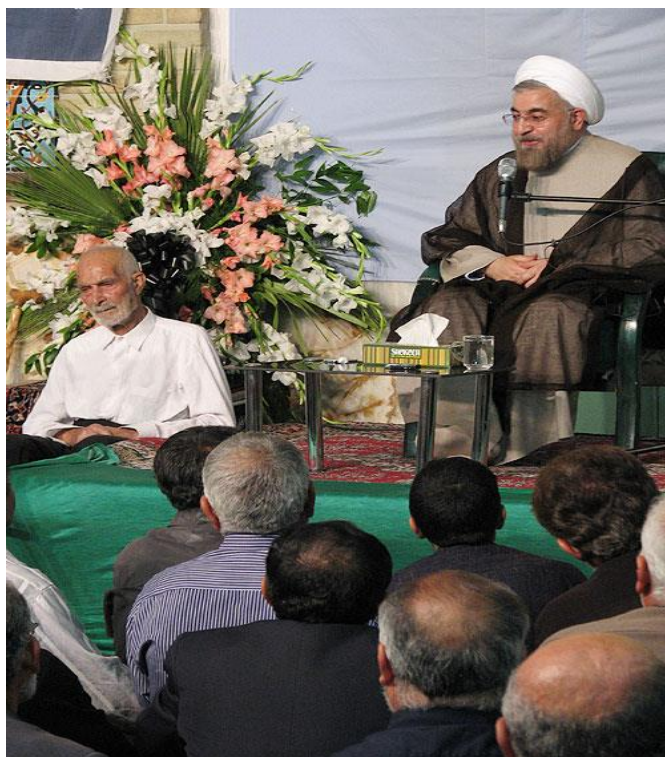
این گزارش در وبسایت های خبری زیر منعکس شده است :

پایگاه خبری تحلیل ۵۹۸ ، سایت خبری بی باک ، سایت خبری نیویدار ، سایت خبری صاحب خبر

۱۴- سفرهای تاریخی دکتر روحانی به زادگاهش

در آستانه سفر دکتر روحانی به استان سمنان هستیم. همین موضوع بهانه ای شد تا به بررسی سفرهای دکتر روحانی به زادگاهش سرخه، بپردازیم.

دکتر روحانی بارها به سرخه آمده و سخنرانی های بیاد ماندنی را در این شهر ایراد کرده است. یکی از این سخنرانی ها، در تاریخ ۱۸ خرداد سال ۸۷، در حسینیه شهدای سرخه که پدرش نیز حضور داشت، صورت گرفت.



در طول تاریخ، حسینیه شهدای سرخه ، علاوه بر دکتر روحانی، میزبان شخصیت های معروف دیگری چون آیت الله هاشمی رفسنجانی (رئیس جمهور وقت) نیز بوده است.

هاشمی در کتاب خاطراتش نوشته است : با اصرار دکتر حسن روحانی، با هلیکوپتر در سرخه فرود آمدیم و با استقبال گرم و با شکوه مردم سرخه به مسجد شهر رفتیم. اکثریت مردم برایشان جا نبود و در خیابان ها ماندند. امام جمعه خیرمقدم گفت و من صحبت کوتاهی کردم.

اما طی چهار سال اخیر، دکتر روحانی سفرهای بیشتری را به سرخه داشته است. وبلاگ سرخه ای ها سعی نمود گزارشهای بروز و لحظه ای این سفرها را در قالب خبر پوشش دهد. اکنون، نگاهی کوتاه به این سفرها داریم.

گزارش اول :

دهم مهر ماه سال ۹۰، تیتراژ اول اکثر سایت های خبری این بود : حسن روحانی به سوگ پدر نشست.

شنیدن این خبر کافی بود تا شهر سرخه در غم و اندوه فرو رود و مردم برای برگزاری مراسم تشیع، آماده شوند.

صبح فردای همان روز، صدها نفر از مردم سرخه به همراه مسئولین کشوری و محلی، پیکر پدر دکتر روحانی را در وادی السلام شهر سرخه، تشیع کردند.

دیدن پیکر پدر کافی بود تا بغض دکتر روحانی به یکباره بترکد و غم بزرگ از دست دادن پدر در چهره اش نمایان شود. دکتر روحانی در آن زمان، عضو مجلس خبرگان رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام بود.



www.sorkhehi.ir

ویلاگ سرخه ای ها



www.sorkhehi.ir

ویلاگ سرخه ای ها

گزارش دوم :

ارتقای بخش سرخه به شهرستان سرخه، آنقدر مهم بود که دکتر روحانی را به زادگاهش بکشاند و در جشن شهرستان شدن سرخه، شرکت نماید.

چهارم اسفند سال ۹۱، روزی بود که بار دیگر دکتر روحانی به سرخه آمد و در این جشن که در مصلاهی نماز جمعه این شهر برگزار شده بود، شرکت و سخنرانی نمود.



www.sorkhehi.ir

ویلاک سرخه ای ها



www.sorkhehi.ir

ویلاک سرخه ای ها

گزارش سوم :

آخرین روز سال ۹۳ بود که دکتر روحانی بار دیگر عزادار شد. مادر دکتر روحانی در سن ۸۶ سالگی درگذشت و مراسم تشیع پیکرش با حضور هزاران نفر از مردم، مسئولین و تعدادی از وزارای دولت تدبیر و امید در وادی السلام سرخه برگزار گردید.

دکتر روحانی در دوم فروردین سال ۹۴، این بار به عنوان رئیس جمهور به سرخه آمد. پیکر مادر دکتر روحانی در کنار آرامگاه همسرش به خاک سپرده شد و برای همیشه، والدین دکتر روحانی، همسایه دیوار به دیوار شدند.

دکتر روحانی در این مراسم گفته بود: از همه مردم بویژه جوانان عزیز کشورمان خواهش می‌کنم، تا زمانی که از نعمت پدر و مادر بهره‌مند هستید، قدر آنان را بدانند.



WWW.SORKHEHI.BLOGFA.COM

وبلاگ سرخه ای ها



www.sorkhehi.blogfa.com

وبلاگ سرخه ای ها

علاوه بر این سفرها، دکتر روحانی چندین بار برای ادای احترام به آرامگاه والدین خود به سرخه آمده و پس از خواندن فاتحه بر مزار پدر و مادر، بلافاصله به تهران بازگشته است.

این گزارش در وبسایت های خبری زیر منعکس شده است :

انقلاب نیوز

۱۵- پررنگ ترین شهر ایران

در مسیر تهران - مشهد تابلوی سبز رنگی را می بینید که روی آن نوشته شده سرخه ۲۵ کیلومتر. اما چرا روی یک تابلوی سبز نوشته شده است سرخه. این جمله لطیفه ای است که در استان سمنان شایع بوده و در گذشته بصورت طنز به سرخه می گفتند: سبز



اما چرا نام این شهر را سرخه نهادند. بنا به روایتی ، به دلیل اینکه کوه های اطراف این شهر ، سرخ رنگ بوده است^۱ به این شهر می گفتند: سرخه

پس از انتخابات نیز به دلیل اینکه رنگ انتخاباتی دکتر روحانی که فرزند شهرستان سرخه است بنفش بود به سرخه می گفتند: بنفشه



۱ - انجمن رسالت قلم سرخه- ۱۳۸۶

از طرفی سرخه بزرگترین تولید کننده ی گچ کشور و ایران نیز دومین تولید کننده ی گچ
دنیاست. پس می توان به سرخه گفت: سفیده



سبز ، سرخ ، بنفش ، سفید و ... رنگها اهمیتی ندارد. مهم این است که سرخه همیشه سرخه
می ماند و سرخه ای ها نیز پاسدار خون سرخ شهیدا.

این گزارش در وبسایت های خبری زیر منعکس شده است :

پایگاه خبری بولتن نیوز / پایگاه خبری تحلیلی سپیدار آنلاین / سایت خبری پارسی
نیوز سایت خبری تی نیوز / پایگاه خبری تحلیلی تعامل / پایگاه خبری تحلیلی ناصرون /
سایت خبری هات خبر / پایگاه خبری تحلیلی انقلاب نیوز / سایت خبری پیام میانه / سایت
انجمن رسالت قلم سرخه / مجله اینترنتی جوان ایرانی

۱۶- سنگ قبرها در گذر زمان

سنگ قبر، سنگی است که آن را برای یادبود کسانی که در گذشته‌اند؛ بر روی یا بالای گور می‌گذارند. در ایران سنگ قبر را به فرم خوابیده بر روی گور می‌گذارند اما در کشورهای غربی، سنگ قبر به فرم ایستاده بالای گور جای دارد.

جنس، نوع و شکل سنگ قبرها در گذر زمان تغییر کرده است. تصویر زیر، نمایی هوایی (google earth) از آرامستان شهر سرخه می باشد. اگر بیشتر دقت کنید، سمت راست تصویر، سنگ قبرهای قدیمی تر (تا سال ۱۳۷۰) قرار دارد که جنسشان شبیه به سفال و موزائیک است و زرد رنگ می باشند. قسمت میانی تصویر، سنگ قبرها، سفید رنگ و از جنس مرمر می باشد (تا سال ۱۳۸۰). همچنین سمت چپ تصویر که قبرهای جدیدتر قرار دارد، سنگ قبرها، سیاه رنگ و از جنس گرانیت می باشد و در اکثر این سنگ قبرها، تصویر صاحب مقبره، حک شده است.

سنگ های سیاه و سفید منتظر ما هستند و اما برای ما چه رنگ و نوع و شکلی از سنگ قبر انتخاب خواهند کرد.



این گزارش در وبسایت های خبری زیر منعکس شده است :

سایت خبری تابناک / سایت خبری بی باک / پایگاه خبری تحلیلی ۵۹۸ / سایت خبری تی نیوز / سایت خبری اقتصاد ایران آنلاین / سایت خبری گلبانگ / مجله اینترنتی جوان ایرانی / سایت خبری تبیان نیوز / سایت خبری سپیدار آنلاین / پایگاه خبری بولتن نیوز / سایت خبری فردا نیوز / سایت خبری تحلیلی مرصاد / سایت خبری هات خبر / سامانه اطلاع رسانی تهران پرس / سایت خبری شمال خبر / پایگاه اطلاع رسانی کلمه / سایت خبری روزگار نو / پایگاه جامع خبری تحلیلی استان نیوز / پایگاه خبری تحلیلی راک نیوز / پایگاه خبری تحلیلی تهرانشهر / پایگاه خبری تحلیلی تعامل / پایگاه خبری تحلیلی دی پرس

۱۷- دلیل نامگذاری حشمتیه تهران

در دوران قاجار، با بروز آشوب در تهران، فردی به نام حاج حشمت پیوندی مامور می شود تا اوضاع را آرام کند. در آن زمان حاج حشمت، حکومت سمنان را بر عهده داشت.

با صدور این ماموریت، حاج حشمت به همراه نیروهای خود به طرف تهران حرکت کرد و تا برقراری امنیت کامل در پایتخت، چند ماهی را در تهران ماند.

پس از بازگشت آرامش به پایتخت، به پاس زحمات این فرمانده لایق، شمشیر مرصعی را برایش می فرستند و لقب حشمت الشکر را به او می دهند.

از آن پس در تهران، محل استقرار نیروهای حاج حشمت را حشمتیه می نامند.^۱



این گزارش در وبسایت خبری زیر منعکس شده است :

سرخه نیوز

۱- انجمن رسالت قلم سرخه

۱۸- زبان سرخه ای، در مبارزه، در مذاکره

مردم به این شایعه که ((حسین فریدون برادر رئیس جمهور، در طول مذاکرات با استفاده از زبان سرخه‌ای با تهران در ارتباط بوده است))، واکنش‌های زیادی نشان دادند.

اما این اولین باری نبود که زبان سرخه‌ای بر سر زبانها افتاده است.

در طول دوران هشت سال دفاع مقدس نیز مردم از زبان سرخه‌ای، روایت‌های زیادی را شنیده بودند. چرا که بسیاری از بیسیمچیان زمان جنگ، از اهالی سرخه بودند و در کنار فرماندهان، به رد و بدل کردن پیام آنها با فرماندهان دیگر می‌پرداختند و دشمن نیز به رغم شنود مکالمات آنها، به دلیل ویژگی خاص این گویش، موفق به رمزگشایی نمی‌شد، چرا که کشف رمز مکالمه آنان تقریباً محال بود.^۱

گویش سرخه‌ای دارای قواعد خاص و بسیار پیچیده است. اگرچه این گویش بسیار خوش آهنگ به نظر می‌رسد اما یاد گرفتن و درک آن بسیار سخت است. مردم سرخه حتی در اسم‌گذاری نیز از لغات پیچیده‌ای استفاده می‌نمایند. به عنوان مثال به گنجشک (مارگیژ)، به مرغ (کریگیک) و به خربزه (کلک) می‌گویند.



۱- انجمن رسالت قلم سرخه

۱۹- هر آنچه که در مورد دکتر روحانی نمی دانستید!

بعد از خواندن کتاب خاطرات دکتر روحانی، متوجه می شوید که خیلی از موضوعات را در مورد ایشان نمی دانستید.

آیا می دانستید مادر بزرگ پدری دکتر روحانی صاحب مکتب خانه بوده و به دختران و زنان سرخه ای سواد می آموخته است؟

آیا می دانستید مادر دکتر روحانی بدون وضو به دکتر روحانی شیر نمی داده و هنگام شیر دادن سوره ی انا انزلنا را تلاوت می کرده است؟

آیا می دانستید دکتر روحانی از پنج سالگی گوسفندان را به چرا می برده است؟

آیا می دانستید پدر دکتر روحانی با اصرار فرزندش را یکسال زودتر به مدرسه فرستاد و مسئولان مدرسه او را بارها به خانه فرستاده اند؟

آیا می دانستید دکتر روحانی به دلیل نرسیدن به سن قانونی کلاس اول را بصورت مستمع آزاد گذرانده و با اینکه معلم هیچ تکلیفی به او نداده بود اما در آزمون شرکت کرد و قبول شد؟

آیا می دانستید دکتر روحانی در هشت سالگی به همراه خانواده اش به عراق سفر کرده و در خزینه ای در نجف سر خورده و غرق شده است و اگر دیگران متوجه ی فریادهای او نمی شدند او نجات پیدا نمی کرد؟

آیا می دانستید او در این سفر از یک مغازه ی اسباب بازی فروشی گذر کرده و به پدرش اصرار کرده که یک اتوبوس اسباب بازی برایش بخرد اما پدرش قبول نکرد. او پدرش را تهدید کرده اگر نخرد همینجا می ماند. پدرش هم گفته بمان و او را تنها گذاشته. او بعد از چند ساعت با گریه و ترس به هتل بازگشته است؟

آیا می دانستید علارغم وضع مالی خوب خانواده دکتر روحانی مخارج تحصیل او از محل پس اندازی که با کار کردن در تابستان بدست می آورده تامین میشده و این موضوع همیشه با اعتراض مادر روحانی به پدرش همراه بوده است؟

آیا می دانستید دکتر روحانی شاگرد اول و پیش نماز مدرسه اش بوده است؟

آیا می دانستید دکتر روحانی در سن نه سالگی از پدرش خواسته تا او را برای خواندن نماز شب بیدار کند؟

آیا می دانستید دکتر روحانی در نه سالگی قرآن را بدون غلط می خوانده و پدرش از فضایی سرخه می خواسته او را امتحان کنند؟

آیا می دانستید شیخ زین العابدین نطنزی سرخه ای استاد دکتر روحانی و یکی از محبوبترین افراد دوران کودکی دکتر روحانی بوده است. چرا که او زندگی بسیار ساده ای داشته و برای مداحی و تعلیم مقید به گرفتن پول نبوده و مخارجش را از طریق تعمیر ساعت می گذرانده است؟

آیا می دانستید دکتر روحانی از هفت سالگی مکبر نماز جماعت در سرخه بوده و همیشه ده دقیقه زودتر از برگزاری نماز در مساجد سرخه حضور داشته است؟

آیا می دانستید همیشه خانواده دکتر روحانی در مناسبتها میزبان علما از شهرهای مختلف بوده است؟

آیا می دانستید پدر دکتر روحانی نماینده آیت ا... بروجردی در سرخه بوده است؟

این مطالب بخشی از اتفاقات دوران کودکی دکتر روحانی در شهر سرخه بود که ما از کتاب خاطرات دکتر روحانی استخراج کردیم و در قالب آیا می دانستید آوردیم. پیشنهاد میشود این کتاب را خریداری کرده و بطور کامل مطالعه نمایید. به اعتقاد ما حتی این کتاب قابلیت تبدیل شدن به فیلمنامه و ساخت فیلم دکتر روحانی را نیز دارد.

۲۰- افعال متناقض در زبان سرخه ای

اگر تمایل دارید انواع و اقسام تناقض ها و استثناعات را در یک زبان بیابید، ما زبان سرخه ای را به شما پیشنهاد می کنیم. وقتی در حال مطالعه زبان سرخه ای هستید باید خود را برای مواجهه با دریایی از افعال متناقض و مشروط آماده کنید.

در زیر نمونه ای از افعال جابجا و متناقض را در گویش سرخه ای آورده ایم.

افعال متناقض در زبان سرخه ای		
افعال	معنی	کنایه
ویریکت	تعجب گرفت	تعجب کرد
پیس بکنا	بد خورد	بد شد (ضایع شد)
زانک کارو	زنک کرد	زنک زد
کول بدا	کول داد	کول زد
کالک باوین	گلکش رو پاره کن	گلکش رو بکن
خاوپش شو	خواهم عقب رفت	خواهم پید
خووه بجا	خنده زد	خندید

www.sorkhehi.ir

وبلاگ سرخه ای :

۲۱- گویش مردم سرزمین رئیس جمهور چگونه است ؟

سرخه دارای زبانی خاص است که به آن «سورجانه» می گویند و دارای لغات بسیار دشواری است که بعضی از ادیبان فارسی آن را مربوط به زبان پهلوی قدیم یا زبان پارسیان دانسته‌اند و در پیچیدگی این زبان همین بس که غالب بیسیمچی‌ان ۸ سال دفاع مقدس از اهالی سرخه بودند چرا که کشف رمز مکالمه آنان تقریباً محال است.

در زیر نمونه ای از افعال مورد استفاده در گویش سرخه ای آورده شده است.

کوتاهترین افعال سرخه‌ای:

ون	فن	زن	ان	کن
می‌گویم	می‌زنم	می‌دانم می‌توانم	می‌آیم	می‌خواهم
مین	شین	ضین		
می‌برم	می‌روم	می‌خورم		

وبلاگ سرخه‌ای‌ها www.sorkhehi.blogfa.com

دستور زبان سورجانه			
ضمایر فاعلی		ضمایر مفعولی	
آ	من	مون	مرا
تا	تو	تا	ترا
او	او	ژو	اورا
هم	ما	هم	مارا
هوژ	شا	هوژ	شارا
شین	آنها	شین	آنها را

www.sorkhehi.blogfa.com

وبلاگ سورهی

این گزارش در وبسایت های خبری زیر منعکس شده است :

پایگاه خبری تحلیلی انقلاب نیوز، انجمن رسالت قلم سرخه

۲۲- مجموعه اصطلاحات سرخه ای گردآوری شده در وبلاگ سرخه ای ها

کتابهای مختلفی در مورد اصطلاحات و ضرب المثل های سرخه ای منتشر شده است اما ما در طی شش سال، بصورت جداگانه به جمع آوری اصطلاحات و واژگان خاص سرخه ای پرداخته ایم که در ذیل تقدیم می گردد.

۲۲-۱- دعا‌های سرخه ای

الاهی که ای نون هینده و هزار و گی (elahi I noon hindeo hazar vegi) یک نون بگذاری و هزار تا برداری (زندگی ات پر برکت باد).

داست خاک که تا را روزی و روشنایی بابو (dast khak ke tara roozio rushenai babu) دست به خاک زنی و برایت روزی شود (زندگی ات پر برکت باد).

باریک ویا بو (barik via bu) درب خانه ات همیشه به سلامتی باز باشد.

بوییک بیامورزه (buubeyk biamoorze) خدا پدرت را رحمت کند.

تا استاریک روشن بابو (ta estareyk rushan bu) ستارهٔ بخت و اقبال روشن شود و خوشبخت شوی.

تا بالا مون جان (tab ala moon jan) دردت به جانم.

تا خانه آودان (ta khane avedan) خانه ات آباد باد.

تا ساخت را بامیر (ta sakht ra bamir) فدای شکل و قیافه ات.

تا دوری (ta douri) دورت بگردم.

خیر باوین (kheyr bavin) خیر ببینی.

خودا تا شوویک تا را نیاداره (kuda ta shooik tara niadare) خدا شوهر و بیچه هایت را برایت نگه دارد.

زاما کریم (zama kerim) دامادت کنیم (داماد شوی).

زووار بابو (zuvvar babu) زائر شوی (به زیارت بروی).

هازار بالا تاپه دور (hazar bala ta pe door) هزار بلا ازت دور شود.

هازار صلوات تا هومراه (hazar selevat ta hoomrah) هزار صلوات همراهت شود.

۲۲-۲- تشبیهات

لاسه کنه (lase kene) : آدم بسیار شل و ول و تنبل (مثل حشره ی کنه)

دوزدان چاش (doozdan chash) : کسی که بسیار زل می زند (چشمهایی مثل چشمهای دزدها)

اشلنگ (eshlang) : آدم بلند قد و لاغر (مثل شلنگ)

درازه رووه (deraze rooeh) : بلند قد و بدقواره (مثل روده)

تانبل خرس (tanbale khars) : آدم تنبل و تن پرور (مثل خرس)

بی دندان کالاج (bi dennis kalach) : بی دندان (مثل کلاغ)

بوجنه کریگیک (bujene kergik) : فردی با ظاهر نامرتب (مثل مرغ)

نانا کادو (nana kadoo) : کچل و بی مو (مثل کدو)

گرن بز (garan boz): کسی که ظاهر نامرتب و کثیفی دارد (مثل بزى که به مرض گری دچار شده است)

وارگ وری (varg veri): آدم بسیار زرنگ و فرصت طلب (مثل گرگ)

خاک و خوسه (khakoo kchoose): فردى که گرد و خاکی شده است (مثل خاک و خاشاک)

اشتر کینه (kine eshtor): کینه ای (مثل شتر)

بپوسا (bepusa): آدم ضعیف و سست (مثل هر چیز پوسیده)

بالاک دننان (balak dennan): آدمی با دندانهای بزرگ (مثل دندانهای گراز)

جات (jat): انسانی با موهای نا مرتب (مثل بته های خاردار)

کور ناخو (kure nakhu): به درد نخور (مثل نخود سیاه)

اسبی شت (esbi shat): سفید (مثل شیر)

اسبی وار (esbi var): سفید (مثل برف)

زارده جووه (zarde jooh): زرد (مثل زرد چوبه)

زارده انبی (zarde enbi): زرد (مثل میوه ی به)

زارده آلاله (zarde alale): زرد مثل (مثل آلاله)

سیاه اذغال (sia ezghal): سیاه (مثل ذغال)

اذغال کونه (ezghal kooneh): سیاه (مثل ذغال)

سیا تاوه (sia taveh) : سیاه (مثل ماهی تاوه)

سوز خوصیل (souze khasil) : سبز (مثل گیاهان)

سوز مورد (souze moord) : سبز (مثل گیاهان)

سورخ خون (soorkhe khoon) : سرخ (مثل خون)

کاو نیل (kau nil) : نیلی و ارغوانی (مثل کبودی)

تال کالوس (tale kaloos) : هر چیز بسیار تلخ

زاهره هلاهل (zahre halahel) : بسیار تلخ (مثل زهر)

تورش زوپپین (toorshe zoppin) : هر چیز بسیار ترش

شور زوله (shoore zoole) : هر چیز بسیار شور

قاند عاسل (ghande asal) : شیرین (مثل عسل)

چاربن جیزدیک (charban jizdik) : چرب (مثل دنبه ی برشته شده)

۲۲-۳- حالات انسان

آسرو (asru) : اشک

اسکوه (eskooe) : سکسکه

اشنوش (eshnush) : عطسه

بوفره (boofre) : اخم

بورمه (boorme) : گریه

واشاند (vashand) : گرسنه

تاشتند (tashand) : تشنه

تیر تیر (tir tir) : خنده یواشکی

خواه جن (khavejan) : خواب آلود

خووه (khueh) : خنده

کَوش (kavash) : خارش

واخیرنده (vakhirende) : گلو خارش دارد

کُل کُل (kol kol) : سرفه

نیشک (nishk) : لبخند

بتتاتان (bettatan) : دویدن

وا و والانگ (vao valang) : گرفتگی گوش

ویر (vir) : تعجب

هالاک (halak) : خسته

هاله ویله (hale vile) : خمیازه

۲۲-۴- بستگان

بوبا ، په (buba - pe) : پدر

ماما ، مانی ، ما (mama - mani - ma) : مادر

دادا ، دادیک (dada - dadeyk) : برادر بزرگتر از خود

بری ، بریک (berey - bereyk) : برادر کوچکتر از خود

دودو (dudu) : خواهر بزرگتر از خود

خاک ، خاکی (khak - khaki) : خواهر کوچکتر از خود

ماسین بوبا ، ماسین بوبیک (masin buba-masin bubeyk) : پدر بزرگ

نه نه (nene) : مادر بزرگ

عامی (ami) : عمو

عامی ژک (zhak ami) : زن عمو

خالی (khali) : دایی

خالی ژک (khali zhak) : زن دایی

عامه (amme) : عمه

هاله (hale) : خاله

شو (shu) : شوهر

ژک ، ژیک (zhak - zhikki) : همسر (خانوم)

برارزا (berarza) : برادر زاده

خاکرزا (khakerza) : خواهر زاده

زاما (zama) : داماد

وی ، ویک (veyk - vey) : عروس

شو په (pe shu) : پدر شوهر

شو ما (ma shu) : مادر شوهر

ژک په (pe zhak) : پدر زن

ژک ما (ma zhak) : مادر زن

یر (yer) : جاری

مردی (merdi) : مرد

ژیکی (zhikki) : زن

لیزی (leyzi) : پسر

دوکی (dukkey) : دختر

پور (pur) : پسر (فرزند)

دوت (dut) : دختر (فرزند)

۲۲-۵- قسمت های مختلف منازل قدیمی

سرا (sera) : منزل

دزار (dezar) : دیوار

بالن (ballen) : دالان ورودی

دارین (darin) : اتاق

سه دارین (sedarin) : اتاق بزرگ - پذیرایی

دولی (duley) : گنجه ی کوچک در قسمت پایین دیوار اتاق برای نگهداری وسایل که دارای درب بوده است.

تا بارنه (barne ta) : طاقچه ی بزرگ که پرده ای جلوی آن آویزان بوده و وسایل منزل را در آنجا نگهداری می کردند.

راف (raf) : طاقچه بالای سردر اتاق

تی (tey) : طاقچه

کوار بار (koare bar) : لولای درب

کولن (koolen) : قفل درب وروی که دارای کلید چوبی (چوبین اوره) بوده است.

کله (kele) : تنور

کلیان (kelyan) : محلی در آشپزخانه یا بیرون از خانه که با گل و سنگ ساخته می شده و روی آن غذا می پختند.

نالینجان (nalenjan) : ناودان

لاو هاوا (lao hava) : اتاقکی کوچک بالای راهرو که به دلیل خنک بودن ، محل نگهداری میوجات و ... بوده است.

واشچیان (vashchian) : اتاقکی در گوشه ی حیاط برای ذخیره کاه - کاهدان

کرسی چالیک (koorsi chalik) : برای گرم کردن اتاق چاله ای در وسط اتاق وجود داشت که در فصل سرما ، آتش در آن می ریختند.

خوت (khoot) : حوض

کونا (konna) : لانه مرغ خانگی

باغچی (baghchi) : باغ - باغچه

آوریز (aoriz) : دستشویی

موطباخ (mootbakh) : آشپزخانه

گارما (garma) : حمام

پشی (pashi) : دستشویی

ژیرکانده (zhirkande) : زیر زمین

گونگا (goonga) : جوی که آب روان کوچه را به داخل منزل هدایت می کرد.

۲۲-۶ - اسامی حیوانات

آسم - آسمیک (asm - asmik) : اسب

اسب (esba) : سگ

اشتر (eshtor) : شتر

بوچی - بوچیک (boochi - boochik) : بز

بوزه سافیک (booze safeyk) : سوسمار آدم خوار

پرپرک (parparik) : پروانه

تالا (tala) : خروس

تاشی (tashi) : جوجه تیغی

جوشکیک (jooshkeyk) : جوجه

دننامه (dennaneh) : زنبور

کارهاواژیک (karhavajhik) : نوعی حشره ی سخت پوست

کرگیک (kergik) : مرغ

کزدوله (kazdooleh) : حشره ی سخت پوست سیاه رنگ

کوتر (kootar) : کیوتر

کورکوجنگ (kurkujang) : جغد

کالاچ (kalach) : کلاغ

گوسبان (gusban) : گوسفند

مارگیژ (margijh) : گنجشک

ماقس (maghas) : مگس

موله – شموله (mooleh - shemooleh) : مورچه

نازی (nazi) : گریه

وارگ (varg) : گرگ

۲۲-۷ - اصطلاحات و کنایه ها

چه کاری هم په بکاتی (che kari ham pe bekatey) : گرفتار شده ایم

حارامو هارشت (haramo harasht) : اسراف

آ که خاک به ساری (a ke khak bessari) : تکه کلام پیر زن ها - نا تندرست و از کار افتاده شده ام.

کوه بکوندت؟ (koooh bekundat) : کار دشواری انجام نداده ای

سار مون سار هیندنده (sar moon sar hindende) : سر به سرم می گذارد

هوشتان کاله کار هاکنده (hushtan kalle kar hakende) : بی اعتنا است و کار خودش را می کند.

حوصله ی دل سار شو (huseleye dal sar shoo) : حوصله ام سر رفته است.

سار جو دنده (sar joo dende) : بیش از حد به او توجه می کند.

آدیم روح ور پرنده (adim ruh var perrende) : باعث می شود انسان شاداب می شود.

آدیم یاخ ماسنده (adim yakh masende) : روحیه آدم از دست می رود

اصلندر (aslandar) : اصلا - به هیچ عنوان

دوورو و دوبنگ (duruo dubang) : دروغ

جبریکی (jabriki) : به دشواری

را بدا (re beda) : رها کرد

آ بالد نی (a bola ni) : من بلد نیستم. از این کارها نمی کنم.

امن (emen) : دوباره

دل پانریژا (dal panrejha) : ترسیدم

ای آلوش (ee alush) : خیلی کوچک

اوریب کات (oorib kat) : افتاد

ولرد (valard) : زدن - له کردن

پیچیلیک (pichilik) : نشگون

ناتیریک (natirik) : تلنگر

آدیم سارکوب کنن (adim sarkub kennan) : از آدم ایراد می گیرند.

چی بیبی آندا؟ (chi bibi ande) : به درد آدم نمی خورد.

خر خر (khar khar) : به سختی چیزی را جابجا کردن

لخ لخ (lakh lakh) : به سختی چیزی را جابجا کردن

نس نس (nas nas) : کارها را دیر انجام دادن

تاو تاو (tau tau) : کج و کوله راه رفتن

تام باجن (tam bajan) : بی قراری نکن و ساکت باش.

هوشتان باخت مدی (hushtan bakht medey) : می ترسیده و روحیه خود را از دست می داده.

بیباره بابو (babu beyyare) : انشا الله به خوبی و خوشی

هوشتان هاسساتی (hushtan hassatey) : خودش را به کوچه ی علی چپ زده.

یا به یا (ya be ya) : شلوغ پلوغ

زابری (zabri) : از بس

خون دومررنده (khoon dumarende) : خون لخته می شود.

قام (gham) : محکم

بادوک (badook) : ساده لوح

جین چی موره (jin chi moore) : همیشه نالان هستند.

پایین نان (painnan) : در قسمت پایین

دیم بشیشت (dim beshisht) : وزنم زیاد شده است.

آتاله (atale) : آب رنگرزی (وقتی آب برای خوردن بسیار داغ است از این تشبیه استفاده می شود)

آتش وارنده (atash varendeh) : آتش می بارد ، هوا بسیار گرم است.

آسرو جو چاش گردامگیت (asru ju chash gardamegit) : اشک دور چشمانش حلقه می زد.

آدام نادى (adam nadi) : آدم ندیده ، کسی که از جمع گریزان است.

آدیم تورنده (adim turendeh) : آدم یخ می زند ، هوا بسیار سرد است.

باقوره صدا (baghoore seda) : به کسی که صدای کلفت و بم دارد گفته می شود.

بقوری (beghoorey) : به کسی که به سن بلوغ رسیده است گفته می شود.

پا دراز هابوان (pa deraz habooan) : دراز شدن پا ، انجام کار سخت و فراغت از دغدغه.

تارا کولا بونده ؟ (ta ra kula boonde) : برایت کلاه می شود؟ یعنی به درد نمی خوره
و ارزشی ندارد.

تا وا شونده (ta va shoonde) : بیش از حد توجه می کند.

سیککا (sikka) : لاغر و نحیف

دیم خون چاکنده (dim khoon chakende) : از صورتش خون می چکد - بسیار سر
حال و رو به راه است.

سسکه (seske) : ترشح

دودار (doodar) : دائم و همیشه

زکاو (zakauw) : زکی

چاش انجن نن (chash enjen nan) : خیلی دوست دارند - از خدایشان است.

ناژگن (najhgan) : ژولیده و نامرتب

ساز گینده (saz ginde) : بهانه می آورد - بی قراری می کند.

ساز نی (ni saz) : حالش خوب نیست.

کورچ گننده (koorch genende) : نوبت ما که می رسد قحطی می آید.

بیاره (beyyare) : با تمامی مشکلات ، سرخوشی و خوش گذرانی کردن.

میان وا کنده (mian vakende) : پنهان کاری می کند - بسیار تو دار است.

هوش ناکو انده (hoosh nakuende) : متوجه نمی شود.

گاردانیک داره ویسنده (gardanik dare visende) : گردنش دارد پاره می شود - بسیار لاغر است.

ویشیر واکنده (vishir vakende) : شورش را در می آورد.

امبار کاریه (embar kariye) : بسیار جدی است و نمی توان بی توجه بود.

جو را وارنده (joo ra varende) : برایش می بارد - مشکلاتش زیاد است.

یکاته ناکره (bekkate nakere) : خداوند تو را زمین گیر نکند.

پیس گننده (pis genende) : ممکن است سوء تفاهم ایجاد شود - بد می شود.

ماما را (mama ra) : آره ارواح مادرت

هاچی واچی (hachi vachi) : واری و جستجو

پاووشان (paooshan) : ریخت و پاش

هاپپاش (happash) : هوا ریختن

جفنگ ناتاشا (jafang natasha) : حرف مفت زن.

داسته باننام (daste bannam) : دست و پاگیر

گاگیر (gagir) : کسی که گاهی خیلی تحویل می گیرد و گاهی اصلا نه.

لا مون سار وان (la moon sar van) : لحاف روی سرم بکش - کارت را انجام نمی دهم.

هوشتریکی هوشتاده هاکنده (hooshtereyki hooshtande hakende) : خوش به خودش بد می کند.

جو بار خاره وابوی (joo bar khare vabooy) : ورشکست شده است.

امبار تا عزت بداردم (embar ta ezzat bedardem) : دیگه خیلی هوایت را داشته ام.

ای بی بی (ee bi bi) : دونه به دونه

جفا (jefa) : سخت - بعید

دقارسن (degarsan) : روشن کن - سیلی بزن.

هافت چاش خاو داره (haft chash khao dare) : خیلی وقت است که به خواب رفته.

میدان وان (meydan van) : بیانداز دور

خرت خرت (khart khart) : صدای خورد شدن.

شرشر (shar shar) : ریزش شدید

پیزه فراخ (pize ferakh) : چاق و شکمو

هار دو داستی داره وارنده (har doo dasti dare varende) : باران به شدت می بارد.

لا ایبیتانان پاشت مواند چان (la ee beytanan pasht mevanchan) : خیلی صمیمی بودند.

دل ترک بین (dale tark bin) : وحشت می کنم.

توسیکی (tuseyki) : خالی ، بی ارزش.

جو را ناوروو ببوی (bebooy joo ra nauroo) : برایش نوروز شده است. از شرایط به وجود آمده بسیار راضی است.

چیچه ببیشت (chiche bebisht) : چه است که شده ام ، نا تندرست شده ام.

چی کوجا دابو (chi kuja dabooy) : خبری نیست.

خاک عاللام (khakallam) : خاک عالم بر سرم ، دلسوزی برای کودکان.

خون کولنده (khun koolende) : خون آدم به جوش می آید.

خیکچه پانیر (khikche panir) : آدم چاق و پرخور.

داست ژیر سار کره باخوسه (bakhoose dast jhire sar kere) : دستش را زیر سرش بگذارد و بخوابد، خیالش راحت است و کارها را انجام داده است.

دوم جورگیتان (doom javar gitan) : بلند کردن دم ، بازی در آوردن و گوش نکردن به حرف دیگران .

دن بابو (den babu) : مانند گندمی که سرخ شده است بشوی ، نوعی نفرین.

روت روت (rut rut) : رک و بی پرده سخن گفتن.

زوبانیک بابورن تایه پاییک پینه که (zoobanik babooran taye pa pine ke) :
زبانت را بیران و آن را به کف پایت پینه بز، در گذشته این اصلاح را به تازه عروسان می
گفتند به این معنی که پس از رفتن به خانه بخت ، با شوهرت سازگاری داشته باش و شکوه
نکن.

زم گل چونندا (zam gal joonenda) : گل زمین را می خوری ، وقتی انسان بسیار گشنه
است این اصلاح بکار برده می شود.

زیکزیکی (ziki zik) : آدم زود رنج و حساس.

سورمه دوکره ، شیرین بونده (soorme dookere shirin boonde) : اگر به چشمانش
سرمه بزند زیبا می شود . این اصطلاح درهنگام پیشنهاد به پسرها در مورد ازدواج با
دوشیزگان به کار برده می شود.

سوخته بابون (baboon sookhte) : بسوزند ، نوعی نفرین.

قاسیطی را (ghasitira) : از قسط ، از روی عمد.

کوجیلی بابو (kujili babu) : فلج شوی ، نوعی نفرین.

کاله کاوس (kale kavas) : غذای کال و نارس.

گول وری بوندا (gool veri boonda) : مثل گل می شوی، بهبود می یابی. معمولاً در
هنگام عیادت از بیمار بکار برده می شود.

مون پاشت باکاش (mun pash bakash) : پشتم را بخواران، من را رها کن که کارت را
انجام نخواهم داد.

ناماره خادیجه ، باوینه داراجه (namare khadije , bavine daraje) : خدیجه نمیرد و
درجه ات را ببیند ، به کسی که ادعای زیادی دارد گفته می شود.

هافت کوه دارمیان (haft kuh darmian) : زبانم لال ، خدای ناکرده.

هامارن (hamaran) : خودت را به پزشک برای معاینه نشان بده.

هوژ ننیک ، دن هم جیب مکاردی (hooj neneyk den ham jib mekardey) :

مادربزرگت در جیب ما آجیل می ریخته (نان و نمک همدیگر را خورده ایم)

بجا (beja) : گریه کرد.

هگی (hagi) : بگیر - من را نگاه کن - حواست به من باشد.

دل دوو آ نابونده (dal doa naboonde) : به دلم نمی نشیند.

دل ور ناگینده (dal ver naginde) : به دلم نمی نشیند.

تان سیننده (tan sinende) : به دل می نشیند.

دلی دلی (dali dali) : از صمیم قلب.

آرمانو موراد (armanoo moorad) : فیس و افاده

آو دوخوسن (au dookhoosan) : تنت را به آب بزن - شنا کن

چاله باریک (chale barik) : خانه ی مادرزن

قار قار (ghar ghar) : زار زار گریه کردن - خارج شدن سریع آب

کاوین (kaveyn) : زرنگ

دلاور (delavar) : زرنگ

پا دوو آ کریم (pa doa kerim) : به خانه اش برویم - سر بزنییم.

خاو پش شو (khao pash shoo) : خوابم عقب رفت - خواب از سرم پرید.

انگار کاردت (engar kardat) : فراموش کردی.

پیزه مالن (pize malan) : به شکمم بمال - چیزی که منظور توست به درد نمی خورد.

سار تاراش (sar tarash) : پر رو و ظالم.

زید (zeyd) : به کسی که چیزی نمی خورد می گویند.

خوشکیچ (khooshkij) : لاغر و نحیف

دجنه (dajane) : لک . سالک روی صورت

کالک باویسن (kalak bavisan) : کلکش را پاره کن - کلکش را بکن.

دل ناخواره مون کاتی (dale nakhvare moon katey) : دل شوره دارم.

سابی هاکه (sabi hake) : مواظب باش - از خودت مراقبت کن.

استیک بو (astik boo) : آرام باش - مواظب خودت باش.

پاخووس (pakhoos) : چاق

پینگیلیک (pingilik) : بسیار کوچک

کالی (kaley) : سوراخ

نارگیژ (nargijh) : گل انار

استال (estal) : استخر

لِش (lish) : خیس

لکیت (lekit) : خیس

رژگ (rajhg) : غذای بدون نمک و چربی

استوم (estum) : کپک

بز بز (baz baz) : سوزش

بل بل (bal bal) : درخشش

پک پکی (pak paki) : تو خالی و پوک

پیتیل (pitil) : مچاله

پک و پور (pako poor) : پوسیده و به درد نخور

نازی دزار فات (nazi dezar bast) : گربه را دم حجله کشت

هنکوفت (henkuft) : بسیار زیاد

هیورنده و هاویرنده (hivirendeo havirende) : پاچه گیر است

دام تا وان (dam ta van) : ساکت شو

لاو چیسکا (lau chiska) : بالا پرید

ژو وز بدا (jhu vez beda) : فریض داد

عاشوق (ashugh) : عاشق

تآنوو و آجان (tano vajan) : بدن

آویژه (avizheh) : آویز

آو ویزم (avizm) : هوو

ژو لافی هوم و آره (jhu lafi humvare) : سیر است

حضور نادانده (hezur nadande) : بی حوصله است

همینا (himeyna) : خمیده

آو لولو (au lulu) : حمام (به زبان بچگانه)

دووخار (dukhar) : دشوار

تین دیک (tin dik) : سر پا نشستن

کایه ناقد کاردشان (kaye naghd kardeshan) : خیلی وقته برایت آماده کرده اند (به طعنه)

شارابو کباب (sharabo kabab) : خیلی شر و شور

آتشک و خوره (atashako khure) : خیلی شر و شور

هنگام بازی آلاکنه (الک دولک) این آواز را می خواندیم :

آلاک چو، مالاک چو، آقا جام، یک صلی

(saliiiiiiiiiiii allak chu, mallak chu, agha jam, yek)

هوشتان پش وگینده (hooshtan pash veginde) : از جمع گریزان است

جین اوته بیبی نیامی (jin oote bibi niami) : حریفشان نشدم

شیطان ژیر پا واشووی (sheytan jhire pa vashooy) : زیر پای شیطان است - وقتی چیزی گم می شود

تا را ناقد کاردشان (ta ra naghd kardeshan) : به متلک : برایت آماده کرده اند

قر بیبی ناریژا (ghar bibi narijha) : اینقدر بازی در نیاور

آما دانه (ama dande) : ورم دارد

لاباسه (labbase) : سیلی

هیپی (hipey) : دائم

یاخسار (yakhsar) : دائم - سراسر

نافاقال (nafaghal) : ناگهان - یهو

ِندوژ (endujh) : چسبناک

آقالش (aghalash) : لا اقل

پیتیل (pitil) : مچاله

لپک (lapak) : له شده

پری پری (pari pari) : پاره پاره

لووه لووه (looe looe) : سوراخ سوراخ

دوخورشنا (dukurshena) : فشرده

دراقوسته (deraghuste) : کیپ و فشرده

دوسسازنن (dussazennan) : توطئه می کنند

چاش نور آمو (chash noor amu) : خوشحال شدم

چو دوکاردشان (chu dookardeshan) : توطئه کرده اند

ورجیک (varjik) : کسی که آرام و قرار ندارد و دائم در حال حرکت است

چاش کنن قیده (chash kenan gheyde) : مقدار کم

لومبیز (lumbiz) : جفتک

ایین جوریکی (iyen jooriki) : غیر عادی

دولاو باز (dulau baz) : ناتو و فریب کار

تارسندوک (tarsandook) : ترسو

پاپایه کریگیک (papae kergik) : پای مرغ - کسی که به همه جا سرک می کشد

ولنگه واز (velenge vaz) : نامرتب و بی ملاحظه

پوف بادی (badi puf) : آدم شل و ول و ضعیف

خولو ویل (khulu vil) : آدم ضعیف و کج و کوله

چک بشکتی (chak beshkatey) : طلسم را شکسته است

داو داو (dau dau) : سریع - با عجله

دو آر سیننده (doo ar sinende) : با زخم تماس پیدا می کند

تا خجالت دن (ta khejalat den) : بسیار بر گردنمان حق دارید

منابع

- ۱- جوانی، اصغر، آقاجانی اصفهانی، حسین، دیوارنگاری عصر صفویه در اصفهان: کاخ چهلستون، فرهنگستان هنر، ۱۳۸۶
- ۲- خان وزیری، احمد علی، مصلح، مجد ابراهیم، جغرافیای کرمان، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۷
- ۳- خواجه سروی، غلامرضا "خاطرات آیت الله مهدوی کنی" مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵
- ۴- رضایی، حسام، باشگاه خبرنگاران جوان، زوایای کمتر دیده شده زندگی آیت الله مهدوی کنی از زبان خانواده ایشان، ۱۳۹۳
- ۵- روحانی، حسن. خاطرات دکتر حسن روحانی. ج. اول، انقلاب اسلامی (۱۳۴۱-۱۳۵۷). چاپ دوم. تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۹۰
- ۶- روزنامه جام جم، شماره ۳۷۸۱ به تاریخ ۹۲/۶/۱۳، صفحه ۱۵ (ایران)
- ۷- سبزواری، محمدعلی. "تحفه عباسی/ من تالیفات محمدعلی السبزواری الخراسانی" انتشارات انس تک، ۱۳۸۱
- ۸- سرزمین آفتاب (نگاهی به تاریخ، جغرافیا و مشاهیر سرخه)/ انجمن رسالت قلم سرخه، زمزم هدایت، ۱۳۸۶
- ۹- شکوری، ابولفضل، خط سوم در انقلاب مشروطیت ایران، وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۷۱
- ۱۰- صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، جلد سوم بخش دوم، تهران، انتشارات فردوس ۱۳۷۱
- ۱۱- نور آقایی، آرش. عدد نماد، استوره، تهران، نقد افکار، ۱۳۸۸
- ۱۲- وبسایت ویکی پدیا
- ۱۳- یآوری، حسین و ظفری، معصومه، آشنایی با جاذبه های گردشگری ایران، انتشارات آذر و سیمای دانش، ۱۳۹۱